

نوشته: دکتر منوچهر گنجی

مسئله خلع سلاح در سازمان ملل متحد

پیشرفت فنون جنگ و فجایع حاصل از آن فکر محدودیت و سپس ممنوعیت جنگ را در اذهان مردم جهان بیش از پیش تقویت نمود و مسئله خلع سلاح کامل و عمومی بعنوان یکی از امیدهای بزرگ و عالی بشری حیاتی‌ترین مباحث سیاسی و نظامی جهان را بوجود آورد.

توجه اساسی به مسئله خلع سلاح از کنفرانس ۱۸۹۹ لاهه با تشکیل کمیسیون تقابلی تسلیحات و اعلامیه‌های مربوط به محدودیت وسائل جنگی آغاز گردید. کنفرانس دوم لاهه ۱۹۰۷ نیز برای مسئله اهمیت خاصی قائل شد، لیکن این اقدامات مانع از بروز جنگ بین‌الملل اول نگردید و این جنگ که نظیر آنرا بشر هرگز بیاد نداشت منجر به اقدامات اساسی‌تری در زمینه خلع سلاح گردید.

جامعه ملل برطبق میثاق^۱، کوششهای مداومی بمنظور تهیه طرح قابل قبولی برای محدودیت نیروهای مسلح انجام داد، و علاوه بر آن کوششهایی نیز در خارج از چارچوب جامعه ملل صورت گرفت^۲، متأسفانه این اقدامات ثمربخش واقع نگردید. جنگ عالمگیر دوم با وسائل بسیار پیشرفته و منهدم‌کننده خود که اختراع و استعمال بمب اتم ماهیت آنرا کلاً تغییر داد، لزوم حصول توافق در زمینه خلع سلاح را افزایش داد.

۱- بند ۲ ماده ۱، مواد ۱۱، ۹، ۸، ۷، ۶ و ۲۶.

۲- کنفرانس واشنگتن ۲۲-۱۹۲۱- کنفرانس بحری لندن ۱۹۳۰ که منجر به تشکیل

کنفرانس خلع سلاح ژنو در سال ۱۹۳۲ گردید.

منشور ملل متحد مسئله خلع سلاح را مورد توجه قرار داده مجمع عمومی و شورای امنیت را مسئول نظارت بر تسلیحات و خلع سلاح مینماید^۱. با اینوصف باید گفت که در واقع منشور برای مسئله خلع سلاح اهمیتی را که موضوع دارد قائل نمیشود. علت این بی توجهی بطور قطع یکی ناآشنا بودن طراحان منشور با امکان اختراع سلاحهای هسته‌ای در زمان کنفرانس سانفرانسیسکو و دیگری اطمینانی بود که به برقراری نظام امنیت دسته جمعی از طریق تشکیل قوای پلیس بین‌المللی براساس فصل هفتم منشور داشتند.

هنگام طرح و تصویب منشور مذاکرات مربوط به خلع سلاح در پیرامون سلاحهای متعارف^۲ و اینکه کشورها باید برطبق ماده ۳ و ۴ منشور برای حفظ صلح از طریق شورای امنیت اقدام نمایند دور میزد.

لیکن ظهور ناگهانی سلاحهای اتمی ماهیت مسئله را دگرگون نموده و مفهوم جدیدی از لزوم تسریع در امر خلع سلاح بوجود آورد. حتی غرب با وجود امتیازات استراتژیکی خود از نظر دارا بودن نیروی هسته‌ای، با کنترل این نیروی عظیم موافق بود. در شرق اگر چه این امتیاز اتمی وجود نداشت ولی تصمیم برقابت با غرب و درعین حال احساس لزوم توافق در چگونگی استفاده از سلاح اتمی وجود داشت.

بموازات فعالیتهای اتحاد شوروی و امریکا در امور هسته‌ای، کشورهای دیگری نیز شروع بدست اندازی بسلاح اتمی کردند که نگرانی‌های شدیدتری را بوجود آورد^۳.

۱- مواد ۴۷، ۲۶، ۱۱ منشور.

۲- Conventional Weapons.

۳- رجوع شود به صفحات ۱۱ الی ۲۴ کتاب:

Evan , Luard , **First Steps to Disarmaments** , a new appearance to the problems of arms reductions (London, Thames and Hudson , 1965) .

در ماه نامبر ۱۹۴۵، ایالات متحده، انگلستان و کانادا اعلامیه‌ای صادر نموده و طی آن تأسیس یک کمیسیون ملل متحد را بمنظور تهیه توصیه نامه‌هایی در زمینه‌های، منع استفاده از نیروی اتمی برای مقاصد تخریبی، بهره‌برداری از اتم برای مقاصد صلح جویانه، حذف سلاحهای اتمی از تسلیحات ملی و ایجاد ترتیباتی بمنظور بازرسی و کنترل پیشنهاد کردند.

کمیسیون نیروی اتمی:

در اولین اجلاسیه مجمع عمومی در سال ۱۹۴۶ مسئله خلع سلاح و رابطه آن با صلح و امنیت بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفت و طی قطعنامه‌ای^۱ مجمع کمیسیون نیروی اتمی را بمنظور تهیه پیشنهادهای لازم در زمینه کنترل و استفاده صلح جویانه از نیروی اتم و از بین بردن سلاحهای اتمی و سایر تسلیحاتی که دارای قدرت تخریبی زیاد هستند و همچنین ایجاد نظام بین‌المللی کنترل و بازرسی تأسیس نمود. این کمیسیون را کشورهای عضو شورای امنیت و کانادا در صورتیکه کشور مزبور عضو شورای امنیت نباشد تشکیل میدادند.

در ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۶ نماینده ایالات متحده امریکا طرحی را بمنظور ایجاد یک سازمان بین‌المللی توسعه اتمی^۲ که بتواند کلیه فعالیتهای دول مختلف را در زمینه تولید و استفاده از نیروی اتمی مورد نظارت و کنترل قرار دهد به کمیسیون نیروی اتمی تقدیم نمود^۳. در این طرح اختیارات وسیعی در زمینه بازرسی و کنترل در اجرای تعهدات دول پیش‌بینی شده بود لیکن این پیشنهاد بنظر شوروی مغایر با حق حاکمیت دولتها بوده و از نقطه نظر استراتژیک بواسطه عدم

۱- قطعنامه شماره (۱) مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۴۶.

۲- International Atomic - Development Authority

۳- این طرح بنام نماینده امریکا در کمیسیون مزبور بعنوان طرح Baruch شناخته

برابری قدرت اتمی شوروی با آمریکا تفوق ایالات متحده را از نظر نظامی محرز
میکرد.

در مقابل اتحاد جماهیر شوروی طرح دیگری را به کمیسیون ارائه داد که
ماهیتاً تمایز با طرح آمریکا بود و در واقع مصالح امنیتی شوروی را دربر میگرفت.
طبق این طرح میبایستی بموجب یک قرار داد بین المللی ساخت و استعمال سلاحهای
اتمی تحریم شده و کلیه سلاحهای اتمی موجود ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم
الاجرا شدن قرار داد مزبور نابود گردد. بعقیده شوروی رسیدگی بمسائل مربوط به
ایجاد نظام کنترل و بازرسی بین المللی بمنظور اجرای مفاد قرار داد باید پس از عقد
قرار داد انجام گیرد. و قوانین داخلی مجازات لازم برای نقض مفاد آن را پیش بینی
نمایند.

بنظر آمریکا اگر این پیشنهاد مورد قبول واقع میگردد و بطور کامل اجرا
میشود، امتیاز ایالات متحده در زمینه نیروی اتمی ازین میرفت، درحالیکه تفوق
تسلیحات متعارفی شوروی حفظ میگردد و موازنه قدرت نظامی را بنفع شرق ایجاد
میکرد. علاوه براین بدلائیل عدم ایجاد امکانات کافی برای کنترل مؤثر بین المللی
این پیشنهاد مورد قبول غرب واقع نگردید. باوجود اینکه کمیسیون اعلام داشت
که کنترل نیروی اتم هم از لحاظ تکنیک و هم از لحاظ علمی امکان پذیر میباشد
بعمل اختلاف نظر آمریکا و شوروی نتیجه ای از کوششهای کمیسیون در این زمینه
حاصل نشد و بالاخره در سال ۱۹۵۲ بنا بر تصمیم مجمع عمومی بکار آن خاتمه داده
شد.

کمیسیون تسلیحات متعارفی:

در تاریخ ۱۳ فوریه ۱۹۴۷ شورای امنیت بر اساس پیشنهاد مجمع عمومی^۲

۱- این طرح بعنوان طرح گرومیکو شناخته میشود.

۲- مندرج در قطعنامه ۱۴ دسامبر ۱۹۴۶ مجمع عمومی.

که اقدامات سازمان در زمینه خلع سلاح را شامل سلاحهای متعارفی نیز اعلام داشته بود کمیسیون تسلیحات متعارفی را تأسیس نمود. اعضای این کمیسیون را کشورهای عضو شورای امنیت تشکیل میدادند. وظیفه کمیسیون تهیه پیشنهادهای مربوط به تقلیل تسلیحات متعارفی و نیروهای نظامی همراه با ایجاد یک نظام بین‌المللی کنترل و بازرسی بود.

در ماه نوامبر ۱۹۴۸ اتحاد جماهیر شوروی بموجب طرحی که به مجمع عمومی ارائه داد پیشنهاد نمود که کشورهای بزرگ جهان (منظور آمریکا، شوروی و انگلیس و فرانسه بود) $\frac{1}{3}$ از نیروهای زمینی، هوایی و دریائی خود را در سال ۱۹۴۹ کاهش داده و ساخت، استعمال و ذخیره سلاحهای هسته‌ای ممنوع اعلام شود. پیشنهاد شوروی رسیدگی به موضوع ایجاد نظام کنترل و بازرسی بین‌المللی را به عهده شورای امنیت واگذار مینمود.

ایالات متحده با این طرح مخالفت نموده نظر بر این داشت که توفیق در زمینه کاهش تسلیحات متعارفی منوط به حل اختلافات سیاسی حاد مابین شرق و غرب در مورد مسائلی مانند تنظیم قرار داد صلح با آلمان و ژاپن میباشد و دیگر آنکه مسائل مربوط به تقلیل سلاحهای متعارفی و سلاحهای هسته‌ای باید بطور جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. پیشنهاد شوروی در مجمع عمومی بتصویب نرسید و در عوض مجمع عمومی طی قطعنامه‌ای از دولت‌ها درخواست کرد که اطلاعاتی در خصوص تسلیحات متعارفی خود در اختیار سازمان ملل متحد قرار دهند. لازم به تذکر است که تناقض منافع در این زمان بین آمریکا که تنها کشور اتمی بشمار می‌آید و اتحاد جماهیر شوروی که کشور غیر اتمی بود مذاکرات مربوط به خلع سلاح را با اشکالات فراوان روبرو میکرد. اختلافات اساسی در زمینه سلاحهای هسته‌ای بر سر آن بود که آیا ممنوعیت تولید و انهدام ذخایر هسته‌ای موجود باید مقدم به برقراری نظام بین‌المللی کنترل و بازرسی بین‌المللی بمنظور ضمانت اجرای آن باشد یا تأسیس نظام بین‌المللی

کنترل و بازرسی مقدم بر ممنوعیت تولید و انهدام ذخایر هسته‌ای موجود. اتحاد جماهیر شوروی طرفدار ممنوعیت تولید و انهدام ذخایر موجود قبل از تأسیس نظام کنترل بین‌المللی بود درحالی‌که ایالات متحده امریکا نظام کنترل بین‌المللی را مقدم میدانست. همچنین در زمینه مسائل مربوط به چگونگی نظام کنترل و نظارت بین‌المللی اختلافات فراوانی میان شرق و غرب وجود داشت که امکان هر گونه توافق در زمینه خلع سلاح را مانع می‌گردید. البته علاوه بر این عوامل عامل اساسی دیگر که در تمام طول عمر ملل متحد مانع توفیق لازم در زمینه خلع سلاح عمومی گردیده است عدم اعتمادی است که در روابط شرق و غرب بخصوص تا قبل از تابستان سال ۱۹۶۳ حکمفرما بوده است.

از ماه آوریل ۱۹۵۰ اتحاد جماهیر شوروی از شرکت در جلسات کمیسیون خلع سلاح و همچنین کمیسیون نیروی اتمی خودداری نمود. بظاهر علت عدم حضور شوروی در این کمیسیونها مسئله نمایندگی چین کمونیست در سازمان ملل متحد بود. کمیسیون خلع سلاح نیز در سال ۱۹۵۲ بدون هیچگونه توفیقی بمر خود خاتمه داد.

با اولین آزمایش اتمی شوروی در سال ۱۹۴۹ مسئله خلع سلاح اهمیت بیشتری پیدا کرد و مسئله تسلیحات اتمی و غیر اتمی توأماً مورد توجه قرار گرفت.

تأسیس آژانس بین‌المللی نیروی اتم :

در هشتم دسامبر ۱۹۵۳ آیزنهاور رئیس جمهور ایالات متحده امریکا طی نطقی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهادی تحت عنوان «اتم برای صلح» را مطرح ساخت و از کلیه کشورها خواست با همکاری با یکدیگر از ذخایر اورانیوم خود برای مقاصد صلح جویانه استفاده نمایند. او عقیده داشت که این امر خود از بکار بردن این ذخایر بمنظورهای نظامی جلوگیری خواهد کرد. اقداماتی که بدنبال این پیشنهاد در سازمان ملل متحد انجام گرفت بالاخره در سال ۱۹۵۷ منتهی به

تأسیس آژانس بین‌المللی نیروی اتمی گردید. این آژانس تحت سرپرستی ملل متحد برای ترویج و استفاده از نیروی اتم برای مقاصد صلحجویانه مانند استفاده از نیروی اتم در تکمیل نیروی برق جهان و استفاده از رادیو ایزوتوپها در پزشکی، کشاورزی، هیدرولوژی و صنایع و همچنین در صورت لزوم برای انجام اقدامات تضمینی در مورد استفاده از مواد هسته‌ای برای مقاصد صلحجویانه بوجود آمد.

آژانس مزبور برای کشورهای درحال رشد کمک فنی، خاصه کارشناس، تجهیزات، تدارک دیده و از طریق بورسهای تحصیلی، کنفرانسها و انتشارات به توسعه مهارت فنی در این کشورها کمک میکنند.

کمیسیون خلع سلاح ۱۹۵۲ و سوکمیته پنج کشور:

مجمع عمومی در ژانویه ۱۹۵۲ بمنظور اجرای وظایفی که بعهده کمیسیون نیروی اتمی و کمیسیون خلع سلاح واگذار شده بود^۱ کمیسیون خلع سلاح^۲ جدیدی را که در آن اعضاء شورای امنیت و کانادا (در صورتیکه آن کشور عضو شورای امنیت نباشد) عضویت داشتند تأسیس نمود. کار این کمیسیون نیز از ابتدا با اختلاف نظرهای امریکا و شوروی از آن قبیل که در فوق متذکر شدیم مواجه شد. بمنظور کمک به ایجاد توافق بین کشورهای بزرگ مجمع عمومی در سال ۱۹۵۳ به کمیسیون خلع سلاح پیشنهاد تأسیس سوکمیته‌ای متشکل از نمایندگان این کشورها را که مسئله خلع سلاح بیشتر مبتنی به توافق آنها میباشد کرد. کمیسیون خلع سلاح در سال ۱۹۵۴ سوکمیته مورد نظر مجمع را با عضویت کشورهای امریکا،

۱- وظیفه کمیسیون تهیه قراردادهائی بمنظور تنظیم و محدود ساختن تسلیحات و قوای نظامی کلیه کشورها و ازین بردن کلیه سلاحهای هسته‌ای و برقراری نظام بین‌المللی کنترل و بازرسی باین منظور و همچنین ارائه پیشنهادهائی در زمینه استفاده صلحجویانه از نیروی اتمی بود.

انگلستان، فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی و کانادا^۱ تأسیس نمود.

این سوکمیته از ماه مه سال ۱۹۵۴ تا ماه سپتامبر سال ۱۹۵۷ جمعاً پنج اجلاس داشت. اجلاسیه ۱۹۵۷ سوکمیته بیش از شش ماه بطول انجامید. مذاکرات سوکمیته بیشتر جنبه زمینه سازی برای ایجاد توافق های لازم و برقراری اعتماد متقابل شرق و غرب را داشت لیکن متأسفانه اوضاع و احوال سیاسی بین المللی و ادامه جنگ سرد مانع توفیق کار سوکمیته بود. برای مثال در سال ۱۹۵۷ شوروی و امریکا با اصول یک برنامه سه مرحله ای برای تقلیل نفرت ارتش خود و نفرت ارتش فرانسه و انگلستان موافقت داشتند. براساس چنین برنامه ای به پیشنهاد امریکا میبایست در مرحله اول نفرت ارتش امریکا و شوروی به ۲۰۰۰ نفر، در مرحله دوم ۲۱۰۰۰ نفر و در مرحله سوم به ۱۷۰۰۰ نفر تقلیل پیدا میکرد. انگلستان و فرانسه نیز با تقلیل قوای خود در مرحله دوم به ۷۰۰۰ و در مرحله سوم به ۶۰۰۰ موافقت داشتند. همچنین امریکا پیشنهاد نمود که فهرست سلاحهائی که دولتها حاضر به کنارگذاشتن آن از انبارهای نظامی خود هستند تنظیم شده بین کشورها مبادله گردد و تحت نظارت بین المللی در انبارهائی در خاک کشور مربوط قرارگیرد. دولت شوروی نیز بطور اصولی با این پیشنهاد برای مرحله اول خلع سلاح موافقت داشت^۲.

در این مرحله از مذاکرات اختلاف نظر بین شرق و غرب بیشتر در اطراف تعریف سلاحهای متعارفی و احراز شرایط لازم برای پیشروی از یک مرحله به مرحله دیگر دور میزد.

۱- اتحاد جماهیر شوروی برای این عقیده بود که چین کمونیست نیز باید عضو سوکمیته باشد. پس از مذاکره بسیار بعلت اختلاف نظر در مورد نمایندگی کشور چین در سازمان ملل متحد توافق شد که در سوکمیته کانادا بجای چین ملی عضو داشته باشد.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع شود به صفحات ۶۵-۲۹ کتاب :

همانطور که قبلاً نیز گفتیم امریکا و کشورهای غربی پیشروی از یک مرحله به مرحله دیگر در امر خلع سلاح را با تأمین امنیت دسته جمعی و شرایط لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حل اختلافات سیاسی بین شرق و غرب وابسته میدانستند در صورتیکه اتحاد جماهیر شوروی نظر داشت که هر اندازه توفیق در امر خلع سلاح بیشتر باشد امکان برقراری تفاهم برای حل مسائل فوق بین شرق و غرب بیشتر خواهد بود. علاوه بر این اختلاف نظر در زمینه نظام کنترل و نظارت بین‌المللی برای تضمین خلع سلاح مابین شرق و غرب در این سالها نیز همچنان ادامه داشت.

در ماه ژوئن ۱۹۵۴ انگلستان و فرانسه برای اولین بار طرح ممنوعیت بکار بردن سلاحهای اتمی را بجز در موارد «دفاع علیه تجاوز» که در واقع دفاع مشروع میباشد پیشنهاد نمودند. این طرح بر اساس نظریات شرق و غرب در زمینه منع استعمال سلاحهای هسته‌ای و برقراری نظام نظارت و کنترل بین‌المللی از طریق شورای امنیت تنظیم شده بود. بهمین دلیل دولت شوروی اعلام داشت که بآن بعنوان مبنای مذاکرات موافقت دارد. علاوه بر این شوروی موافقت کرد که رسیدگی به مسائل مربوط به منع و کنترل سلاحهای هسته‌ای موکول به حل مسائل مربوط به خلع سلاح در زمینه سلاحهای متعارفی شود.

در سال ۱۹۵۵ اتحاد جماهیر شوروی پیشنهاد کشورهای غربی را برای تقلیل نیروهای مسلح کشورها در پایان اولین مرحله خلع سلاح^۱ و همچنین

۱- بر اساس پیشنهاد مورخ ۲۸ مه ۱۹۵۲ امریکا، انگلستان و فرانسه در پایان این مرحله تعداد نفرات نیروهای مسلح هر یک از کشورهای امریکا، شوروی و چین حداکثر بین یک الی یک و نیم میلیون، برای فرانسه و انگلستان حداکثر بین ۷۰۰ الی ۸۰۰ هزار نفر و نفرات نیروهای مسلح سایر کشورها حداکثر تا یک درصد جمعیت آنها پیش‌بینی شده بود این تقلیل سیبایست با سایر جنبه‌های تقلیل تسلیحات توأم باشد. در نتیجه اجرای کامل این طرح نیروهای مسلح کشورها باید بحدی کاهش مییافت که فقط جنبه دفاعی داشته باشد. سلاحهای هسته‌ای باید ممنوع شده و نظارت بر تسلیحات با حداقل مداخله در امور داخلی کشورها توأم باشد.

پیشنهادهای فرانسه و انگلستان را در مورد از بین بردن سلاحهای هسته‌ای (پس از آنکه ۷۵ درصد سایر نیروها تقلیل پیدا کرد) همراه با اصل کنترل و نظارت دائمی بین‌المللی قبول نمود^۱.

در ماه مه ۱۹۵۵ اتحاد جماهیر شوروی طرح خلع سلاح دیگری پیشنهاد کرد که در مرحله اول اجرای آن کلیه کشورها میبایست آزمایشهای اتمی را ممنوع مینمودند.

در سال ۱۹۵۶ موضوع حملات غافلگیرانه^۲ توجه سوکمیته خلع سلاح را بخود معطوف کرده بود. آمریکا و شوروی هر دو بمنظور پیشگیریهایی لازم موافقت خود را بایرقراری نظام بازرسی‌های^۳ هوایی که مبتنی به قبول اصل «آسمان باز» بود اعلام داشتند. در اینجا نیز اختلاف نظرین شرق و غرب که مانع حصول توافق گردید مربوط به حوزه و حدود بازرسی‌های هوایی بود. در حالیکه کشورهای غربی موافقت خود را با بازرسی‌های هوایی در صورتی اعلام داشته بودند که یا شامل تمام قلمروی کانادا، ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی شود یا شامل کلیه مناطقی منجمده شمالی، آلاسکا و منطقه شرقی سیبری، اتحاد جماهیر شوروی در مقابل

۱- ملاحظه میشود در این زمان نظریات شوروی با زهم بغرب نزدیکتر میگردد، زیرا منع استفاده از سلاحهای اتمی را بعنوان مرحله ثانوی خلع سلاح مورد قبول قرار میدهد. علاوه بر آن با اصل کنترل و نظارت مؤثر بین‌المللی بر مبنای دائمی و بصورت دوره‌ای و تقلیل تدریجی نیروهای مسلح بر اساس پیشنهاد کشورهای غربی موافقت کرد.

علاوه بر این شوروی پیشنهاد کرد که استفاده از سلاحهای اتمی باید فقط با اجازه شورای امنیت صورت گیرد نه در مورد مقاومت در مقابل «تجاوز» بتشخیص هر کشور که اساس پیشنهاد کشورهای انگلستان و فرانسه بود.

۲- Surprise attack

۳- Aerial inspection

۴- Open skies

در صورتی آنرا قبول داشت که شامل اروپای مرکزی ، منطقه‌ای از نصف سیبری شرقی ، تمامی آلاسکا و قسمت غربی قلمروی ایالات متحده امریکا^۱ باشد .
در اکتبر سال ۱۹۵۷ « راپاکی » وزیر امور خارجه دولت لهستان طرحی را برای غیر اتمی کردن آلمان ، لهستان ، چکسلواکی ارائه کرد ، علت پیشنهاد این طرح تصور کشورهای اروپای شرقی و شوروی از امکان تجهیز آلمان غربی بسلاح اتمی بود که سبب میگردید اتکاء غرب به سلاحهای هسته‌ای تا کتیکی در اروپای مرکزی افزایش یابد .

در سال ۱۹۵۷ امریکا شدیداً سیاست محدود کردن آزمایشهای هسته‌ای را در سوکمیته دنبال مینمرد و امیدوار بود که از آن بتوان به جلوگیری از تولید و استفاده سلاحهای هسته‌ای دست یافت . در این سال کمیسیون خلع سلاح نظارت بر آزمایشهای هسته‌ای را مورد قبول قرارداد و امکان ایجاد پایگاههای کنترل در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی ، امریکا و انگلستان و همچنین در اقیانوس آرام را بررسی نمود . اتحاد جماهیر شوروی ایجاد چنین پایگاههایی را موکول به تصویب قرار داد منع سلاحهای هسته‌ای میدانست . شوروی بعد از آنکه تفوق موشکی خود را محرز کرد کنترل بین المللی بر موشکهای هدایت شونده را پیشنهاد نمود لیکن نظر امریکا در این خصوص با شوروی فرق فاحش داشت . امریکا کنترل را شامل آزمایشهای هسته‌ای و توسعه ذخایر اتمی میدانست .

با مطالعه این مختصر ملاحظه میکنیم که تقریباً در کلیه موارد پیشنهاد های شرق یا غرب در زمینه خلع سلاح طوری صورت میگیرد که در صورت اجراء تفوق طرف پیشنهاد کننده را بر رقیب خود تأمین نماید . مواردی که پیشنهادی بمنظور واقعی خلع سلاح از طریق هر دو طرف بدون ایجاد تفوق نظامی برای یکی از آنان شده باشد بسیار نادر بوده است . مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دوازدهمین اجلاس خود در سال ۱۹۵۷ پس از بررسی گزارش کمیسیون خلع سلاح که حاوی

۱- که غرب Great Lakes قرار گرفته است .

بررسیهای سوکمیته خلع سلاح بود طی قطننامه‌ای خواستار اقدامات زیر شد :

- ۱- منع فوری آزمایشهای هسته‌ای با برقراری فوری کنترل بین‌المللی مؤثر
- ۲- خاتمه دادن به استخراج مواد اولیه برای تهیه سلاحهای هسته‌ای با کنترل بین‌المللی مؤثر.
- ۳- تقلیل ذخائر سلاحهای هسته‌ای از طریق تبدیل آن برای استفاده صلحجویانه.

۴- تقلیل قوا و سلاحهای نظامی.

۵- ایجاد کنترل زمینی و هوایی بطور تدریجی بمنظور جلوگیری از غافلگیری.

۶- انجام بررسیهای لازم بمنظور برقراری نظام نظارت و کنترل برای تأمین

اینکه از ساوراء جو فقط بمنظور صلحجویانه و علمی استفاده شود.

مجمع عمومی در این قطعنامه از سوکمیته خلع سلاح خواسته بود که گروهی

از متخصصان را مأمور مطالعه نظام نظارت و کنترل بین‌المللی نموده و نتیجه امر را

تا آخر آوریل ۱۹۵۸ به کمیسیون خلع سلاح گزارش دهد.

در این اجلاس مجمع اتحاد جماهیر شوروی عدم رضایت خود را از ترکیب

اعضای کمیسیون و سوکمیته خلع سلاح ابراز داشت و گفت که در هر دور کن اکثریت قریب

باتفاق با کشورهای عضو پیمان اتلانتیک است. مجمع عمومی تصمیم گرفت که

تعداد کشورهای عضو کمیسیون را به بیست و پنج کشور افزایش دهد. با اینوصف

اتحاد جماهیر شوروی به دلیل آنکه اکثر اعضای کمیسیون از هم پیمانهای کشورهای

غربی هستند اعلام داشت که از این پس در جلسات کمیسیون و سوکمیته خلع

سلاح شرکت نخواهد کرد. بعلت عدم حضور اتحاد جماهیر شوروی در جلسات

کمیسیون و سوکمیته در آخر سال ۱۹۵۷ بعمر کمیسیون و سوکمیته خلع سلاح

خاتمه داده شد.

کمیته خلع سلاح ده کشور :

مجمع عمومی در سیزدهمین اجلاس خود در سال ۱۹۵۸ با توجه به عدم شرکت اتحاد جماهیر شوروی در جلسات کمیسیون و سوکمیته خلع سلاح تصمیم به تشکیل کمیسیون خلع سلاح دیگری متشکل از کلیه اعضای سازمان ملل متحد گرفت. همزمان با تشکیل اولین جلسه این کمیسیون در ماه مه ۱۹۵۹ اطلاعیه مربوط به توافق امریکا، انگلیس، فرانسه و شوروی در تأسیس کمیته خلع سلاح ده کشور انتشار یافت. اعضای این کمیته براساس توافق کشورهای فوق عبارت بودند از کشورهای امریکا، انگلستان، ایتالیا، فرانسه و کانادا و کشورهای بلغارستان - چکسلواکی، رومانی، شوروی و لهستان - کمیسیون خلع سلاح از این توافق و آنکه کمیته کمیسیون را از جریان مذاکرات و نتایج کار خود مطلع خواهد ساخت ابراز خوشوقتی نمود. به این ترتیب کمیته خلع سلاح که تعادل کامل از لحاظ عضویت بین شرق و غرب در آن وجود داشت شروع بکار کرد.

در سپتامبر ۱۹۵۹ و مارس و ژوئن ۱۹۶۰ شرق و غرب هر یک بطور جداگانه پیشنهادهائی بمنظور خلع سلاح کامل و عمومی تحت نظارت بین المللی و بطور تدریجی در سه مرحله ارائه دادند، طرحی که ابتدا از طرف شوروی ارائه شد، خلع سلاح عمومی را در ظرف مدت ۴ سال پیشنهاد کرده بود. مرحله اول - شامل کاهش نیروهای متعارفی بمیزان ۱۰۰.۰۰۰ نفر برای هر یک از کشورهای امریکا و شوروی و بمیزان ۶۵.۰۰۰ نفر برای هر یک از کشورهای انگلستان و فرانسه میشد. تعداد نفرات نیروهای سایر کشورها در این مرحله از طریق اجلاسیه مخصوص مجمع عمومی یا یک کنفرانس جهانی تعیین میگردد. تسلیحات و وسایل نظامی نیز در این مرحله براساس تقلیل تعداد و نفرات تقلیل مییافت. در مرحله دوم خلع سلاح کامل و عمومی شامل مابقی نیروها و تسلیحات نظامی میشد در این مرحله میبایست کلیه پایگاههای نظامی خارجی برچیده شود. مرحله سوم شامل انهدام

کلیه سلاحهای هسته‌ای، انواع موشکها و کلیه وسایل مورد استفاده نیروهای هوایی، منع و انهدام کلیه وسایل جنگی شیمیائی و میکروبی، منع تحقیقات علمی نظامی، از بین بردن کلیه خدمات نظامی و جلوگیری از هر نوع مخارج نظامی میشود. پیشنهادهای شوروی پیش‌بینی برقراری یک نظام نظارت بین‌المللی را نیز مینمود که پس از تکمیل مرحله سوم میتواندست از طریق زمین و هوا نظارت لازم را بعمل آورد و موارد نقض خلع سلاح کامل و عمومی را باطلاع شورای امنیت و یا مجمع عمومی ملل متحد در محدوده صلاحیت هر یک برساند. همزمان با ارائه این طرح اتحاد جماهیر شوروی اعلام داشت در صورتیکه کشورهای غربی با خلع سلاح کامل و عمومی براساس این طرح موافقت نداشته باشند آن کشور حاضر است تا در زمینه‌های محدودتری از قبیل تعیین مناطق خاص برای نظارت و بازرسی در اروپا، غیر اتمی اعلام داشتن اروپای مرکزی، انهدام پایگاههای نظامی خارجی، تنظیم قرارداد عدم تجاوز، بین کشورهای عضو پیمان اتلانتیک و کشورهای عضو پیمان ورشو و تنظیم قرارداد منع غافلگیری با کشورهای غربی موافقت نماید^۱.

در ماه ژوئن ۱۹۶۰ اتحاد جماهیر شوروی طرح دیگری را که شامل سه مرحله میشد برای خلع سلاح کامل و عمومی بشرح زیر پیشنهاد نمود. براساس این طرح در مرحله اول کلیه وسائل حمل سلاحهای هسته‌ای و کلیه پایگاههای نظامی خارجی باید منهدم میشد. در این مرحله مطالعاتی نیز بمنظور جلوگیری از تولید سلاحهای هسته‌ای باید انجام میگرفت. مرحله دوم شامل خلع سلاحهای متعارفی و هسته‌ای و نیروهای نظامی شده و مرحله سوم علاوه بر مسائل مربوط به نظارت و کنترل بین‌المللی شامل موافقت‌های لازم بمنظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی براساس منشور ملل متحد میگردد.

مراحل پیشنهادی غرب نیز که در سپتامبر ۱۹۵۹ در کمیته ده کشور مطرح

۱- برای توضیح بیشتر در این زمینه رجوع شود به صفحات ۳۴ الی ۴۰ کتاب:

Everyman's United Nations (1963).

گردید شامل سه مرحله میشود. در هر مرحله بطور متعادل از نیروهای متعارف و هسته‌ای کاسته میشود. تقلیل این نیروها باید بشکلی انجام میپذیرفت که از کلیه امکانات عملیات تجاوز کارانه از جانب یکطرف علیه طرف دیگر جلوگیری نماید. در ماه ژوئن ۱۹۶۰ نماینده امریکا طرحی برای خلع سلاح کامل و عمومی تحت نظارت بین‌المللی در سه مرحله تقدیم کمیته ده کشور نمود. براساس این طرح مرحله اول میبایست پس از تصویب کمیته از طریق ده کشور به مرحله اجراء گذاشته شود و برنامه مراحل بعدی پس از اجرای مرحله اول به پیشنهاد کمیته در یک کنفرانس جهانی عمومی مورد طرح و تصویب قرار گیرد. پیشرفت از یک مرحله به مرحله دیگر براساس تصمیم شورای امنیت صورت خواهد گرفت. قبل از اتخاذ تصمیم در این زمینه شوری بررسی خواهد نمود که آیا اجرای یک مرحله بیپایان رسیده است یا نه. همچنین از طریق سازمان نظارت بر خلع سلاح اجرای مرحله بعدی را نظارت خواهد کرد. در مرحله اول تعداد نفرات نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی هر یک به حداکثر دو میلیون و یکصد هزار نفر تقلیل خواهد یافت. قطع تولید سلاحهای هسته‌ای تحت نظارت بین‌المللی و یکبار انداختن آن برای استفاده‌های صلحجویانه تنها موقعی آغاز میشود که در امر خلع سلاح سلاحهای متعارف موفقیت‌های رضایت‌بخش کسب شده باشد. مرحله اول شامل تحریم قرار دادن وسائل مجهز به سلاحهای هسته‌ای در مدار زمین نیز میشود. برای اطلاع بیشتر از پیشنهادهای امریکا و شوروی در سال ۱۹۶۰ و مقایسه آنها با یکدیگر، پیشنهادهای مزبور بصورت جدول زیر نقل میگردد:

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به صفحات ۲۹ الی ۵۰ کتاب:

Everyman's United Nations (1963).

پیشنهاد‌های اولیه امریکا و شوروی در سال ۱۹۶۰

اتحاد جماهیر شوروی	ایالات متحده امریکا
- متوقف کردن افزایش بودجه‌های نظامی.	- تحریم فوری آزمایش سلاح‌های هسته‌ای.
- اعلام منع استفاده از سلاح‌های اتمی.	- متوقف کردن تهیه مواد اولیه برای سلاح‌های هسته‌ای.
- منع واگذاری سلاح‌های هسته‌ای به کشورهایی که تاکنون فاقد آن می‌باشد (آلمان غربی).	- منع واگذاری سلاح‌های هسته‌ای به کشورهایی که تاکنون فاقد آن می‌باشند.
- تحریم تبلیغات جنگی.	- اجتناب ورزیدن از ایجاد میدان‌های جدید جنگی در ساوراء فضا.
- امضاء نمودن پیمان عدم تجاوز بین دول عضو ناتو و دول عضو پیمان ورشو.	- از بین بردن تدریجی سلاح‌های هسته‌ای موجود.
- خروج سربازان بیگانه از کشورها.	- خاتمه دادن به آزمایش‌ها و تولید نامحدود موشک‌های قاره‌پیما ^۲ و از بین بردن تدریجی این موشک‌ها.
- برقرار نمودن مناطق خالی از سلاح‌های اتمی ^۳ در اروپای مرکزی، افریقا، خاور-دور - پاسیفیک.	
- اتخاذ تصمیماتی برای پیش‌گیری از غافلگیری و از آن جمله برقرار نمودن سراز نظرارت زمینی در محل‌های تقاطع راه آهن و بنادر مهم و راه‌های اصلی.	

۱- رجوع شود به صفحه ۱۰ جلد هشتم شماره ۱۱ نوامبر ۱۹۶۰

United Nations Review

۲- Ballistic missiles

۳- Atom-free zones

کمیسیون خلع سلاح که شامل نمایندگان هشتاد و دو کشور عضو ملل متحد میشد در تابستان سال ۱۹۶۰ مجدداً تشکیل گردید ولی بازهم بعلت اختلاف نظر بین شرق و غرب توفیقی در امر خلع سلاح پیدا نکرد. در این مرحله از مذاکرات خلع سلاح همانطور که ملاحظه شد شرق پیشنهاد های خود را بیشتر مبتنی بر برچیدن پایگاه های نظامی خارجی که کشورهای غربی داشتند مستقر کرده بود در حالیکه کشورهای غربی شرط اجرای چنین برنامه ای را تقلیل سلاح های متعارف و هسته ای تحت نظارت مؤثر بین المللی میدانستند. پیشنهاد های هر یک از طرفین بازهم شاید بیشتر در جهت احراز تفوق نظامی بر طرف دیگر در مراحل مختلف اجرای طرح تهیه شده بود تا بمنظور برقراری خلع سلاح واقعی متعادل در سطح جهانی. در ماه ژوئن ۱۹۶۰ پس از حادثه «یو ۲» و عدم تشکیل کنفرانس سران کشورهای بزرگ در پاریس پنج کشور اروپای شرقی عضو کمیته تصمیم خود را مبنی بر عدم شرکت در جلسات کمیته اعلام داشتند. کشورهای شرقی غرب را متهم ساختند که از خلع سلاح عمومی و کامل جلوگیری مینماید و غرب نیز در مقابل کشورهای شرقی را متهم نمود که با برقراری نظام بین المللی نظارت و کنترل برای تضمین خلع سلاح عمومی و کامل مخالفت بعمل میآورند.

کمیسیون خلع سلاح هیجده کشور و کنفرانس کمیته خلع سلاح بیست و شش

کشور .

در ۲ سپتامبر ۱۹۶۱ بیانیه مشترکی توسط شوروی و ایالات متحده که مشتمل بر اصول مورد توافق برای مذاکرات چند جانبه بود در شانزدهمین اجلاس هیئت مجمع عمومی منتشر گردید. اهم این اصول عبارت بودند از: انحلال نیروهای مسلح، قطع تولید تسلیحات، ازین بردن ذخائر سلاح های هسته ای و همچنین سلاح های شیمیائی و میکروبی و انواع دیگر سلاح های با قدرت تخریبی زیاد، ازین بردن کلیه وسائل و حمل و استفاده از سلاح های هسته ای، تغییر و تبدیل تسلیحات موجود برای مصارف مسالمت آمیز از حلال سازمانها و مؤسساتی که بمنظور سازمان

دادن با اقدامات نظامی دولتها ایجاد شده ، قطع تعلیمات نظامی ، تعطیل مراکز تعلیمات نظامی ، قطع مخارج نظامی . کشورها فقط بمیزانی سلاحهای غیر هسته‌ای ، نیرو و تسلیحات و تأسیسات نظامی در اختیار خواهند داشت که برای حفظ نظم و امنیت داخلی ضرورت دارد . علاوه بر این کشورهای مربوط قبول نموده بودند تا قوای لازم را جهت تشکیل نیروی صلح سازمان ملل متحد یا براساس موافقتنامه‌های خاص در اختیار این سازمان بگذارند و از تشکیل و حفظ نیروی صلح سازمان ملل متحد حمایت نمایند .

براساس بیانیه مشترک کلیه اقدامات مربوط به خلع سلاح عمومی و کامل باید بنحوی متوازن باشد که در هیچیک از مراحل اجرای طرح کشور و یا گروهی از کشورها نتوانند تفوق نظامی برطرف دیگر بدست آورند و امنیت عمومی بطور مساوی برای همگان تأمین گردد ، کلیه اقدامات لازم جهت خلع سلاح باید تحت نظارت سازمان بین‌المللی خلع سلاح^۱ که در چارچوب سازمان ملل متحد تأسیس خواهد شد انجام گیرد . پیشرفت خلع سلاح از یک مرحله به مرحله دیگر باید با اقدامات لازم بمنظور حمایت و تقویت از تأسیسات بین‌المللی حافظ صلح و تسویه مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی توأم باشد .

این بیانیه که بعنوان موافقتنامه مالک‌لوی وزورین^۲ شناخته میشود در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۶۱ باطلاع مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید . مجمع در قطعنامه‌ای که در تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۶۱ تصویب نمود از دولتهای امریکا و شوروی خواست تا در مورد تشکیل کمیسیون خلع سلاح بشکلی که مورد موافقت آنها و سایر کشورهای ذینفع باشد تسریع نمایند . در قطعنامه شماره ۱۷۲۲ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۶۱ مجمع عمومی با اتفاق آراء اصول مندرج در بیانیه دو کشور و موافقت دو کشور در تشکیل کمیسیون خلع سلاح متشکل از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی ،

۱ - International Disarmament Organization

۲ - McCloy - Zorin

اتیوپی، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، برزیل، بلغارستان، برمه، جمهوری متحده عرب، چکسلواکی، رومانی، سوئد، فرانسه، کانادا، لهستان، مکزیک و نیجریه و هندوستان را تأیید نمود، این کمیته گزارش کار خود را سالانه به مجمع عمومی و کمیسیون خلع سلاح که عضویت آنرا کلیه کشورهای عضو ملل متحد دارند ارائه میدهد. عضویت کمیته همانطور که ملاحظه میشود شامل پنج کشور غربی، پنج کشور شرقی و هشت کشور غیر متعهد بود. کمیته جلسات خود را در ماه مارس ۱۹۶۲ در ژنو آغاز نمود. دولت فرانسه از ابتدا از حضور در جلسات کمیته خودداری نمود و اعلام داشت که امیدوار است در آینده نزدیک امکان مذاکره تنها بین کشورهایی که مسئله خلع سلاح بستگی به تصمیمات آنها دارد فراهم گردد^۱.

بمنظور مقایسه نظریات آمریکا و شوروی در جدول زیر به پیشنهادهای دودولت مزبور در سال ۱۹۶۴ مختصراً اشاره شده است :

۱- این دولت تا این تاریخ از شرکت در جلسات کمیته خلع سلاح خودداری نموده

پیشنادهای امریکا و شوروی در سال ۱۹۶۴ برای خلع سلاح کامل عمومی^۱

اتحاد جماهیر شوروی	ایالات متحده امریکا
<p style="text-align: center;">مرحله اول</p> <p>۱- انهدام وسائل حمل سلاحهای اتمی در مدت ۲۴ ماه.</p> <p>۲- برچیدن پایگاههای خارجی.</p> <p>۳- خروج کلیه قوای نظامی از پایگاههای خارجی.</p> <p>۴- تقلیل بودجه نظامی با توافق قبلی.</p> <p>۵- تحریم تولید و استفاده از سلاحهای هسته‌ای.</p> <p>۶- تقلیل ذخائر سلاحهای هسته‌ای از طریق انهدام آن.</p>	<p style="text-align: center;">مرحله اول</p> <p>۱- تأسیس نظام نظارت بین المللی مؤثر برای نظارت بر:</p> <p>الف - متوقف کردن ساختمان‌نوشکهای اتمی.</p> <p>ب - محدود کردن سلاحها و قوای نظامی برطبق اصل موازنه.</p> <p>۲- انهدام ۳۰٪ وسائل حمل سلاحهای اتمی.</p> <p>۳- پس از تکمیل اجرای مواد ۲۰۱ (در حدود تقریباً سه سال) ورود به مرحله دوم.</p>

۱- رجوع شود به سند شماره A/4505 مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۶۰ و صفحات ۳۰۶ الی ۳۰۷ کتاب : Blaisdel تحت عنوان : **International Organization**

مرحله دوم	مرحله دوم
۱- تقلیل تدریجی قوای زمینی براساس توافق قبلی.	۱- انهدام تحت نظارت ۷۰٪ وسائل حمل سلاحهای اتمی و تقریباً تمام این سلاحها.
۲- برقرار کردن نظارت بین المللی مؤثر بمنظور نظارت برانهدام سلاحهای اتمی و وسائل حمل آن و تقلیل قوای نظامی.	۲- رسیدگی با نظارت دقیق به سلاحهای اتمی و سلاحهای دیگر و قوای نظامی که برطبق اصل موازنه باقی مانده است.
۳- پس از پایان دو سال از آغاز مرحله دوم مرحله سوم آغاز میشود.	۳- تشکیل قوای صلح سازمان ملل.
	۴- پس از تکمیل مواد ۱، ۲ و ۳ و ورود به مرحله سوم (در حدود تقریباً سه سال).
مرحله سوم	مرحله سوم
۱- از طریق مذاکره بین کشورهای مختلف و شورای امنیت موافقتنامه های مورد نظر ماده ۴۳ منشور ملل متحد برقرار شده و بمنظور تأمین عملیات پلیسی در امر خلع سلاح بمورد اجراء گذاشته میشوند.	۱- تخریب بقیه (۳۰٪) وسائل سلاحهای اتمی.
	۲- انهدام کامل سلاحهای اتمی و تقلیل متقابل قوای نظامی.
	۳- تقویت قوای صلح سازمان ملل به ترتیبی که در عمل قدرت نظامی آن در دنیا جنبه انحصاری داشته باشد.

در ماه اوت ۱۹۶۹ برای آنکه تمام نقاط دنیا برحسب تقسیمات جغرافیائی براساس تقاضاهای مکرر کشورهای افریقائی و آسیائی و امریکای لاتین در کمیته خلع سلاح عضویت داشته باشند امریکا و شوروی بعنوان رؤسای مشترک کمیته خلع سلاح موافقت نمودند که هشت کشور دیگر بقرار زیر باعضای کمیته اضافه شوند. این کشورها عبارتند از:

آرژانتین ، پاکستان ، ژاپن ، مجارستان ، مراکش ، مغولستان ، هلند و یوگسلاوی. با این ترتیب از این تاریخ کمیته ۱۸ کشور خلع سلاح به کمیته ۲۶ کشور تبدیل گردید و از تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۶۹ نام کمیته نیز به کنفرانس کمیته خلع سلاح^۱ تبدیل شد.

در بیست و چهارمین اجلاس هیئت عمومی طی قطعنامه‌ای تغییرات فوق را در مورد عضویت کمیته مورد تأیید قرار داد. البته نظر مجمع بر این بود که کشورهای امریکا و شوروی نباید بدون موافقت قبلی مجمع چنین تغییراتی را بمورد اجراء گذارند. باید گفت که کشورهای امریکا و شوروی کمیته خلع سلاح را همیشه خارج از محدوده ارکان سازمان ملل متحد تلقی نموده و مینمایند و رابطه آن با سازمان ملل متحد را تنها بشکل یک رابطه اطلاعی قبول دارند که از طریق گزارشهای سالانه کمیته خلع سلاح به مجمع عمومی و کمیسیون خلع سلاح ملل متحد انجام میگردد. در مقابل این نظریه اکثریت قریب باتفاق سایر اعضاء ملل متحد کمیته خلع سلاح را بعنوان یکی از ارکان فرعی سازمان ملل متحد میشناسند. تعداد زیادی از این کشورها بر این عقیده‌اند که تا موقعیکه کشورهای فرانسه و چین کمونیست در مذاکرات کمیته شرکت ندارند موافقت‌های مربوط به خلع سلاح عمومی و کامل مؤثر واقع نخواهد شد.

قرار داد منع آزمایشهای هسته‌ای در جو ، ماوراء جو و زیر آب^۱ :

براساس توافقی که در تابستان ۱۹۶۳ در ژنو بین امریکا و شوروی انجام گرفت خط مستقیم تلفنی بین کاخ سفید و کرملین برقرار گردید که در مواقع اضطراری برای جلوگیری از برخورد نظامی بین دو کشور از آن استفاده شود. در نتیجه اقدامات کمیته خلع سلاح در تاریخ ۶ اوت همین سال قرار داد منع آزمایشهای هسته‌ای در جو، فضای ماوراء جو و زیر آب در مسکو با مضای نمایندگان کشورهای اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده امریکا و انگلستان رسید. این قرار داد تا باین تاریخ بتصویب بیش از یکصد کشور رسیده است. فرانسه و چین کمونیست هنوز این قرار داد را قبول نموده‌اند. در همین سال مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای باتفاق آراء قرار دادن تسلیحات اتمی را در مدار زمین منع نمود. در سال ۱۹۶۵ با توجه به موارد نقض قرار داد فوق مجمع عمومی طی قطعنامه‌ای توجه کلیه کشورها را به احتیاج مبرم جلوگیری از آزمایشهای هسته‌ای جلب نموده از کمیته خلع سلاح خواست تا با توجه به پیشرفتهای علمی که برای کنترل آزمایشهای هسته‌ای حاصل شده قرار داد کاملتری در این زمینه تهیه نماید.

کمیته خلع سلاح متشکل از کلیه اعضای ملل متحد برای بررسی مسائل مربوط به خلع سلاح در آوریل ۱۹۶۵ تشکیل شد و پیشنهادهائی در زمینه جلوگیری از گسترش سلاحهای هسته‌ای و منع کامل آزمایشهای هسته‌ای به مجمع عمومی نمود. براساس این پیشنهادها مجمع عمومی از کمیته خلع سلاح خواست تا برای تنظیم قرار دادهائی در زمینه جلوگیری از گسترش سلاحهای هسته‌ای و منع کامل آزمایشهای هسته‌ای اقدام نماید. مجمع عمومی در همین سال طی قطعنامه‌ای قاره آفریقا را غیر اتمی اعلام داشت^۲ و از کلیه کشورها خواست که از هر گونه آزمایش

۱- دولت ایران این قرار داد را تصویب نموده است.

۲- Nuclear Free zone.

یا استفاده از سلاحهای هسته‌ای یا قرار دادن این سلاحها در دسترس کشورهای
افریقائی خودداری نمایند.

قرار داد منع استفاده از سلاحهای هسته‌ای در ماوراء جو :

در سال ۱۹۶۶ کمیته خلع سلاح موفق شد تا قرار دادی را در زمینه منع
استفاده از سلاحهای هسته‌ای در ماوراء جو تصویب نماید^۱. این قرار داد در
بیست و یکمین اجلاس مورد تأیید مجمع عمومی قرار گرفت و در ژانویه ۱۹۶۷ همزمان
در مسکو، واشنگتن و لندن با امضاء رسید.

در سال ۱۹۶۷ مجمع عمومی همچنین قرار دارد مربوط به منع تولید و اشاعه
سلاحهای هسته‌ای در آمریکای لاتین را که بین بیست و دو کشور آمریکای لاتین برقرار
شده است تأیید نمود^۲.

قرار داد منع گسترش سلاحهای هسته‌ای^۳:

بین سالهای ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ خطر گسترش سلاحهای هسته‌ای بیش از پیش
احساس میشد و بهمین دلیل مورد بحث کنفرانسهای مختلف قرار گرفت، برای مثال
کنفرانس سازمان وحدت افریقا در ۳ ژوئیه ۱۹۶۴ طی اعلامیه‌ای برای جلوگیری
از اشاعه سلاحهای هسته‌ای و آزمایشهای مربوط بآن در افریقا این قاره را غیر اتمی
اعلام داشت و کنفرانس دوم سران کشورهای غیر متعهد در ۱۰ اکتبر ۱۹۶۴ طی
اعلامیه‌ای منع گسترش سلاحهای اتمی را قویاً مورد تأیید قرار داد.

خطر گسترش سلاحهای هسته‌ای در فاصله ماههای آوریل الی ژوئن ۱۹۶۵
در کمیته خلع سلاح مورد بررسی قرار گرفت و سرانجام در ۱۵ ژوئن ۱۹۶۵ کمیته

۱- این قرارداد بعنوان قرار داد مربوط به اصل حاکم بر فعالیت دولتها بمنظور شناسائی

و استفاده از ماوراء جو، شامل ماه و سایر ستارگان شناخته میشود.

۲- این قرار داد بعنوان قرار داد Tlatelalco معروف است.

۳- دولت ایران این قرار داد را امضاء نموده است.

طی قطعنامه‌ای ضرورت انعقاد قرار داد منع گسترش سلاحهای هسته‌ای را اعلام داشت.

این مسئله بنا بدرخواست اتحاد جماهیر شوروی در بیستمین اجلاسیه مجمع عمومی ملل متحد مطرح گردید و در بیست و یکمین اجلاس مجمع عمومی طی قطعنامه‌ای از کلیه دول عضو خواست که اقدامات لازم را بمنظور حصول توافقی در انعقاد قرار داد منع گسترش سلاحهای هسته‌ای انجام دهند.

باین منظور کمیته ۱۸ کشور اصولی را که باید دولتها بر مبنای آن اقدام نمایند تهیه کرد. در جریان سال ۱۹۶۷ و نیمه اول سال ۱۹۶۷ برای حصول توافق در مورد مواد قرار داد مذاکراتی بین دولتهای دارای سلاحهای هسته‌ای صورت گرفت. در تاریخ ۲۴ اوت ۱۹۶۷ دولتهای ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی طرحهای جداگانه و مشابهی در زمینه منع گسترش سلاحهای هسته‌ای در کمیته مطرح نمودند. بر اساس پیشنهادهای کمیته خلع سلاح مجمع عمومی در تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ قرار داد منع گسترش سلاحهای هسته‌ای را تصویب نمود و قرار داد همزمان در لندن، مسکو و واشنگتن برای اسضاء مفتوح گردید.

همانطور که دکتر انصاری در جزوه مسائل مطروح در سازمانهای بین المللی^۱ متذکر میشود چون هدف اصلی این قرار داد جلوگیری از توسعه مالکیت سلاحهای هسته‌ای و ممنوع نمودن دولتهائیکه دارای سلاحهای هسته‌ای هستند ازدادن آن بکشورهای غیر هسته‌ای بود و در حقیقت یک وضع انحصاری بنفع کشورهای دارای سلاحهای هسته‌ای ایجاد مینمود کشورهای فاقد این سلاح آنها برخلاف « اصل برابری و عدم تبعیض بین دولتها» میدانستند و اینطور استدلال میکردند که این قرار داد در حقیقت شکل امتیازی برای کشورهای صاحب سلاحهای هسته‌ای را داشته و بضرر سایر کشورها میباشد. آنها میگفتند که این قرار داد تنها از

۱- جزوه دکتر انصاری - سمینار مسائل مطروح در سازمانهای بین المللی (مرکز

مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران سال تحصیلی ۴۹-۱۳۴۸).

گسترش افقی سلاحهای هسته‌ای جلوگیری مینماید و به گسترش عمودی آن توجهی ندارد. بهمین جهت مدتی بر سر امضاء و تصویب آن بین کشورهای فاقد سلاحهای هسته‌ای شک و تردید وجود داشت. این قرار داد پس از تصویب ۴۷ کشور در تاریخ مارس ۱۹۷۰ قدرت اجرائی پیدا نمود. البته باید توجه داشت که از پنج کشور دارای سلاحهای هسته‌ای تا بحال فقط سه کشور آمریکا، شوروی و انگلیس آنرا تصویب نموده‌اند و دو کشور چین کمونیست و فرانسه تا بحال از قبول آن خودداری نموده‌اند.

با توجه به مراتب فوق کشورهای فاقد سلاحهای هسته‌ای تصمیم گرفتند از طریق ایجاد یک جبهه متشکل نظریات خود را در جهت حفظ امنیت خود و استفاده صلحجویانه از نیروی اتم به کشورهای دارای سلاحهای هسته‌ای بقبولانند. در نتیجه اقدامات این کشورها مجمع عمومی در سال ۱۹۶۶ بمنظور بررسی مسائل زیر تصمیم به تشکیل کنفرانسی از نمایندگان این کشورها گرفت. کنفرانس مزبور بمدت یکماه در سپتامبر ۱۹۶۸ با حضور نمایندگان ۹۲ کشور فاقد سلاحهای هسته‌ای و چهار کشور انگلیس، آمریکا، شوروی و فرانسه که بدون داشتن حق رأی بطور ناظر شرکت داشتند در ژنو تشکیل شد و یک اعلامیه و چهارده توصیه بمنظور حفظ امنیت کشورهای فاقد سلاحهای هسته‌ای و استفاده صلحجویانه از نیروی اتم به تصویب رساند. تصمیمات این کنفرانس بشکل قطعنامه‌هایی به تصویب بیست و سومین و بیست و چهارمین اجلاسهای مجمع عمومی رسید و به کنفرانس کمیته خلع سلاح توصیه شد. مسائل مطروح در کنفرانس بقرار زیر بود:

- ۱- مسائل مربوط به حفظ امنیت کشورهای فاقد سلاحهای هسته‌ای.
- ۲- همکاری بین کشورهای فاقد سلاحهای هسته‌ای برای جلوگیری از گسترش سلاحهای هسته‌ای.
- ۳- استفاده صلحجویانه از نیروی اتمی.

قرار داد منع کار گذاردن سلاحهای هسته‌ای و سایر سلاحهای انهدام دسته

جمعی در کف و زیر دریاها و اقیانوسها :

مجمع عمومی در بیست و پنجمین اجلاسیه خود در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۷۰ قرار داد منع کار گذاردن سلاحهای هسته‌ای و سایر سلاحهای انهدام دسته جمعی را در کف و زیر کف دریاها و اقیانوسها که از طرف کنفرانس کمیته خلع سلاح بیست و شش کشور تهیه شده بود با ۱۰۴ رأی موافق ، ۲ رأی مخالف ، ۲ رأی ممتنع تصویب نمود . بموجب این قرار داد کار گذاردن سلاحهای هسته‌ای و سایر سلاحهای انهدام دسته جمعی جز در حاشیه دوازده میلی ساحلی هر کشور ممنوع میباشد . بعبارت دیگر دولتها نمیتوانند در کف و زیر کف دریای آزاد (در صورتیکه حدود آبهای ساحلی را دوازده میل فرض کنیم) سلاحهای هسته‌ای و سایر سلاحهای انهدام دسته جمعی قرار دهند .

منع سلاحهای شیمیائی و میکروبی :

کنفرانس کمیته خلع سلاح بنا بتوصیه مجمع عمومی در حال حاضر سرگرم تهیه قرار دادی در این زمینه میباشد . علاوه بر این مجمع عمومی از کلیه کشورها خواسته است تا پروتکل ژنو ۱۹۲۵ را که بر اساس آن بکار بردن سلاحهای شیمیائی و میکروبی منع گردیده است تصویب نمایند . همچنین طی مدت چهار سال اخیر کمیته اول مجمع عمومی بمنظور ایجاد توافق در زمینه تعریف سلاحهای شیمیائی و میکروبی منع شده در پروتکل اقداماتی نموده است . نتیجه این اقدامات بشکل قطعنامه‌ای در بیست و چهارمین اجلاسیه مجمع عمومی بر اساس پیشنهاد کشور سوئد بتصویب رسید . بر اساس این قطعنامه گازهای اشک آور نیز جزء سلاحهای شیمیائی است که استعمال آن در زمان جنگ طبق پروتکل ژنو ۱۹۲۵ منع گردیده است . این قطعنامه همچنین منع استعمال سلاحهای مندرج در پروتکل فوق را یک قاعده

حقوق بین الملل عمومی اعلام میدارد. دولت امریکا با این نظر مخالف بوده و نماینده آن کشور در مجمع عمومی اظهار نمود که تنها با تصویب قطعنامه مجمع عمومی نمیتوان قواعد حقوق بین الملل را مشخص نمود. با اینوصف قطعنامه پیشنهادی سوئد با ۸ رأی موافق، ۳ رأی مخالف و ۳۶ رأی ممتنع به تصویب مجمع عمومی رسید. البته مسائل مربوط به منع سلاحهای شیمیائی و میکروبی (بیولوژی) از جمله مسائلی است که محتاج به مطالعات فراوان و برقراری قرار دادهای خاص دیگر میباشد. بهمین دلیل این موضوع در دستور کنفرانس کمیته خلع سلاح و مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار دارد.

تقلیل سلاحهای استراتژیکی :

در نوامبر ۱۹۶۹ مذاکراتی بین نمایندگان ایالات متحد امریکا و اتحاد جماهیر شوروی بمنظور تقلیل سلاحهای استراتژیکی در شهر هلسینکی انجام گرفت. این مذاکرات که بنام مذاکرات 'SALT' معروف شده است دو بار دیگر از آن تاریخ بعد در شهر وین بین نمایندگان دو کشور دنبال شده است. هنوز اطلاع دقیقی از حدود مذاکرات و توافقهائی که در زمینه تقلیل این سلاحها و احیاناً منع آزمایشهای هسته‌ای و جلوگیری از گسترش سلاحهای استراتژیکی جدید از قبیل موشکهای تهاجمی^۱ و وسائل دفاع ضد موشکی^۲ حاصل شده است در دست نیست. این مذاکرات هنوز ادامه دارد. بدون توجه به این مذاکرات مجمع عمومی در سال ۱۹۶۹ دو قطعنامه در این زمینه تصویب نمود. براساس یک قطعنامه کلیه آزمایشهای سلاحهای هسته‌ای اعم از دفاعی و یا تهاجمی باید تا نتیجه مذاکرات

۱- Strategic Arms Limitations Talks

۲- (MIRVS) Multiple Independently Targetable Re-entry Vehicles.

۳- (ABM) Anti-Ballistic Missile.

دو کشور ممنوع اعلام شود. دولتهای امریکا و شوروی هر دو شدیداً با این دو قطعنامه مخالفت نموده و در موقع رأی نیز با آنها رأی مخالف دادند. هر دو کشور علت مخالفت خود را بی موقع بودن طرح آن اعلام داشتند.

قطعنامه‌های مجمع عمومی :

علاوه بر توافقهایی فوق باید در نظر داشت که مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی مدت بیست و پنج سال اخیر مقدار زیادی از مدت برگزاری هر دوره اجلاس را صرف رسیدگی به مسائل مختلف خلع سلاح از قبیل آزمایشهای هسته‌ای و خطرات ناشی از آن، خطراتی که ممکن است سلاحهای رادیولوژیکی و اشعه لیزر در آینده ببار آورد، بالا رفتن رادیواکتیویته محیط زندگی و اثرات اقتصادی و اجتماعی خلع سلاح نموده و در این زمینه قطعنامه‌های متعددی همه ساله بتصویب رسانیده است. مجموع این قطعنامه‌ها نمایان کننده وجدان عمومی دنیای حاضر در زمینه مسائل مربوط به خلع سلاح میباشد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه لازم است به قطعنامه‌های مربوط مراجعه شود. البته در بسیاری موارد این قطعنامه‌ها پایه و اساس اقدامات کمیته‌های خلع سلاح و طرح و تنظیم قرار دادهای مختلف از آن نوع که در این فصل بتفصیل آمده است بوده است.

پیشنهاد غیر اتمی اعلام داشتن منطقه خاورمیانه :

در اعلامیه مشترک دولتهای ایران و اتحاد جماهیر شوروی که در تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۴۹ بمناسبت مسافرت آقای پادگرنی صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی بایران صادر شد اشاره‌ای به لزوم ایجاد مناطق غیر اتمی منجمله در خاورمیانه شده است.

رویه دولت ایران در مسئله خلع سلاح :

خلع سلاح نتایج اقتصادی و اجتماعی چشمگیری بخصوص برای کشورهای در حال توسعه دربر دارد. از سال ۱۹۶۰ تا بحال مطالعات متعددی در زمینه اثرات اقتصادی و اجتماعی خلع سلاح در سازمان ملل متحد انجام گرفته است. دولت شاهنشاهی ایران همواره حامی خلع سلاح عمومی و کامل تحت نظارت و کنترل بین المللی بوده است. بطوریکه شاهنشاه آریا مهر فرمودند « کمک اساسی که ما میتوانیم به حفظ صلح بکنیم این است که با ملتهای دیگر هم آواز شده و درخواست کنیم که یک خلع سلاح عمومی یعنی یک خلع سلاح واقعی و خلع سلاح کنترل شده و تضمین شده در جهان برقرار شود و برای نیل بهمین هدف عالی است که نمایندگان ایران در مذاکرات مربوط به خلع سلاح شرکت و تلاش های لازم را نموده اند».

رئیس هیأت نمایندگی ایران در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۷ در زمینه مخارجی که امروزه در دنیا صرف تسلیحات میگردد چنین بیان داشتند :

« مسابقات تسلیحاتی باعث شده است منابعی که برای تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی مورد نیاز فوری است در زیر کوههایی از سلاحهای مخرب مدفون گردند.

« این موضوع حیرت انگیز است و باید در تاریخ آن را ثبت و ضبط نمود که دنیای ما در هر سال بیش از دویست میلیارد دلار مخارج نظامی دارد. بر اساس ارزیابیهایی که شده تخمین زده اند که مبالغی که هر سال صرف امور نظامی و مخارج جنگی و تسلیحاتی میشود اقلاً برابر دو سوّم یا به عقیده برخی به اندازه تمام درآمد کشورهای در حال توسعه میباشد. در حال حاضر ۶٪ از کلیه دانشمندان بطور مستقیم یا بطور غیر مستقیم در رشته های جنگی مشغول فعالیت میباشدند. ارقام مذکور نشان میدهد که در نتیجه یک خلع سلاح عمومی تا چه میزان بر رشد اقتصادی ترقیات اجتماعی نوع بشر کمک میشود.

«مسابقات تسلیحاتی باعث بروز بدگمانی و سوءظن و کشمکش در بین ملتها
میباشد و سوءظن و بدگمانی میان ملتها نیز مسابقات تسلیحاتی را افزایش میدهد
این وضع اسفناک باعث بوجود آمدن یک «دور باطل گردیده است».
با این مختصر ملاحظه میشود در سطح جهانی چه اثرات عظیم اقتصادی و
اجتماعی ممکن است برای خلع سلاح همگانی با تضمین های لازم بمنظور حفظ و حراست
تمامیت کلیه کشورها اعم از کوچک و بزرگ قائل شده.

نتیجه

از مباحث فوق چنین نتیجه میگیریم که تا بحال توفیق‌های زیادی در زمینه خلع سلاح حاصل نشده است و همانطور که ملاحظه شد توافقهائی که بصورت قرار داد بوجود آمده است نیز بمنظور جلوگیری از اشاعه سلاحهای هسته‌ای یا جلوگیری از ازدیاد رادیواکتیویته در جو و ماوراء جو و داخل آنها یا جلوگیری از توسعه مسابقات تسلیحاتی به ماوراء جو و سایر سیارات بوده است. علت عمده عدم امکان توفیق در این زمینه همانطور که متذکر شدیم وجود محیط عدم اعتماد، سوءظن و بدگمانی در روابط ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی بوده است. چنین اوضاع و احوالی بجای ایجاد توافق برای تقلیل نیروها و سلاحهای نظامی و در نتیجه مخارج نظامی باعث تشدید مسابقات تسلیحاتی شده است. برای اثبات این مدعی بارقاسی چند از مخارج تسلیحاتی در سراسر دنیا در هشت سال اخیر مراجعه کنیم. طبق گزارش گروه متخصصان سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۶۰ طبق قطعنامه مجمع عمومی مأمور بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی خلع سلاح گردیده مخارج نظامی کلیه کشورها در سال ۱۹۶۲ در حدود ۱۲ میلیارد دلار بوده است. براساس مطالعه گروه مزبور این مبلغ در آنزمان معادل ارزش صادرات کاپه کشورهای دنیا و همچنین معادل درآمد ملی کلیه کشورهای درحال توسعه بوده است. همچنین طبق آمار سازمان ملل متحد مخارج نظامی کلیه کشورها در سال ۱۹۶۷ در حدود ۱۷۰ میلیارد دلار و در سال ۱۹۶۹ در حدود ۲۰۰ میلیارد دلار بوده است. از این مبلغ ۱۷۶ میلیارد دلار مخارج نظامی کشورها پیشرفته و ۲۴ میلیارد دلار مخارج نظامی کشورهای درحال توسعه است. با توجه باین ارقام ملاحظه میکنیم که مخارج نظامی دنیا سالانه ده درصد افزایش پیدا میکند درحالیکه براساس یکی از گزارشهای اخیر دبیر کل سازمان ملل متحد وضع زندگی مردم کشورهای درحال توسعه هر سال

بیش از پیش وخیمتر می‌گردد. دبیرکل در این گزارش متذکر می‌گردد که با تمام تلاشی که کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به شش درصد افزایش درآمد ملی خود مینمایند حتی اگر صادرات آنان و منابع مالی خارجی را هم بدان دسترسی خواهند داشت در نظر بگیریم با اینوصف در سال مسیحی ۱۹۷۵ با یک موازنه منفی تجاری بمبلغ ۲۴ میلیارد دلار مواجه خواهند بود. دولت ایران در سال ۱۹۶۶ تصمیم گرفت یک روز از مخارج نظامی سالانه خود را به برنامه مبارزه با بیسوادی اختصاص دهد و مبلغ ۷۰ دلار در همان سال به یونسکو پرداخت. کنفرانس جهانی مبارزه با بیسوادی که در همان سال در تهران برگزار شد از کلیه کشورها خواست که با ایران در این راه همگام شوند. دولت ایران همان سال پیشنهادی در این زمینه به کمیسیون اول سیاسی مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه داد. لیکن این پیشنهاد با مخالفت کشورهای بزرگ به نتیجه نرسید.

همانطور که گفته شد مسابقات تسلیحاتی خود یکی از علل عمده ایجاد محیط عدم اعتماد و سوءظن و کشمکش میان ملتهاست که یکی از نتایج آن تشدید هرچه بیشتر مسابقات تسلیحاتی است. این وضع در واقع باعث ایجاد یک دور تسلسل بنفع مسابقات تسلیحاتی میشود.

چون کلید حل مسئله خلع سلاح در حقیقت در دست کشورهای بزرگ است همانطور که ملاحظه شد سایر اعضای ملل متحد همه گونه همکاری را با آنها معمول داشته‌اند تا آنجا که اعضای کمیسیونهای مختلف خلع سلاح را آنها تعیین نموده، بر اساس توافق دو جانبه امریکا و شوروی در تعداد اعضای کمیته یا کمیسیونهای مزبور تغییر داده و در مواردی نیز از جمله مذاکرات فعلی مربوط به تقلیل سلاحهای استراتژیکی به مذاکرات جنبه دو جانبه (امریکا و شوروی) داده‌اند. متأسفانه همانطور که متذکر شدیم در مذاکرات هشت سال اخیر کمیته خلع سلاح فرانسه شرکت نداشته است. عدم حضور فرانسه در جلسات کمیته خلع سلاح آنرا در عمل از کمیته هجده کشور به کمیته هفده کشور تبدیل نمود. بنظر میرسد که علت اساسی

عدم شرکت فرانسه در این مذاکرات علاقه شدید آن کشور به تجهیزات خود به سلاحهای هسته‌ای و احراز مقام شامخی از لحاظ نظامی در مقام مقایسه با امریکا و اتحاد جماهیر شوروی است. چین کمونیست نیز بعلت وضع نمایندگی آن کشور در سازمان ملل متحد و مخالفت ایالات متحده امریکا با عضویت آن کشور در کمیته خلع سلاح در هیچ مرحله‌ای از این مذاکرات شرکت نداشته است. هر نوع موافقتی در زمینه خلع سلاح کامل و عمومی در صورت مخالفت این دو کشور نتیجه مطلوب نخواهد داد.

همانطور که گفتیم علاوه بر کوششهای کشورهای عضو کمیسیونها و کمیته‌های خلع سلاح سایر کشورهای عضو سازمان ملل متحد نیز بخصوص کشورهای در حال توسعه سهم زیادی از لحاظ انعکاس افکار عمومی مردم دنیا در زمینه مسائل مربوط به مسابقات تسلیحاتی و خطرات ناشی از آزمایشهای هسته‌ای در چارچوب اجلاسهای مجمع عمومی سازمان ملل متحد داشته‌اند. قطعنامه‌های متعددی که مجمع عمومی همه ساله در مورد مسائل مختلف خلع سلاح، از جمله منع آزمایشهای هسته‌ای در جو، ماوراء جو، زیر آب و اعماق دریاها استفاده از نیروی اتم بمنظورهای مسالمت آمیز، منع استفاده از ماوراء جو و سایر سیارات بمنظورهای نظامی، بتصویب رسانیده است اکثراً در اثر مساعی این کشورها انجام گرفته است. شک نیست که قطعنامه‌های مجمع عمومی بخصوص آن گروه که با رأی مثبت اکثریت قریب باتفاق اعضای ملل متحد بتصویب رسیده‌اند از لحاظ آنکه در واقع آینه‌انعکاسی افکار عمومی قاطبه مردم جهان هستند اثراتی در تغییر سیاستهای کشورهای بزرگ بمنظور تطابق آن با خواسته‌های مندرج در این قطعنامه‌ها در بردارند.